

چرا همسر حضرت نوح (ع) با او وارد کشتی نگردید؟!

۱۲ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۵۸

حضرت نوح (ع) یکی از پیامبران عظیم الشان الهی است که نام مبارکش ۴۳ بار در قرآن مجید آمده است و نیز سوره ای به نام ایشان می باشد. وی اولین پیامبر اولوالعزم است که دارای شریعت و کتاب مستقل بوده است .

شغل حضرت نوح (ع) نجاری و ایشان مردی بلند قامت و تنومند بوده و صورتی گندم گون داشته است. مرکز بعثت و دعوتش در شامات و فلسطین و عراق بوده است. مطابق نص صریح قرآن مجید، نوح پیغمبر مدت ۹۵۰ سال در میان قوم زیست و به تبلیغ و راهنمایی آنان پرداخت . (سوره عنکبوت ، آیه ۱۴) نوح پیغمبر مردم را سرزنش می کرد که چرا ایمان به خدای یکتا نمی آورند و از سنگ، بت ساخته و آنها را پرستش می کنند؟ علی دوانی می نویسد: عمر نوح در روایات اسلامی افزون از هزار سال بوده است. در مدت ۹۵۰ سال مامور تبلیغ خلق بوده و هدایت قوم را به عهده داشته است . مردم آن روز با اینکه هنوز تعداد زیادی نبوده اند مع الوصف بر اثر هواخواهی و سرکشی نفس در شرک و بت پرستی و فساد اخلاق فرو رفته بودند. نوح از یک خانواده شهری، زنی به همسری گرفت. این زن اگرچه پاکدامن بود ولی یک عادت ناپسند داشت که به همان سبب نیز قرآن مجید او را توبیخ و ملامت کرده است. زن نوح اسرار خانه را به خارج می برد و از شوی خود به این و آن شکایت می نمود . زن نوح با همه تبلیغات پیگیر و طولانی همسرش پیغمبر خدا، کافر بود و ایمان به خدای یگانه نداشت. او نیز تحت تاثیر انحراف فکری مردم محیط از اینکه مبداء عالم را خدای خالق توانا و آفریدگار لایزال بداند امتناع می ورزید و در مقابل از نصایح مشفقانه و تذکرات خیرخواهانه نوح پیغمبر ، سرپیچی می نمود . مردم در غفلت و بی خبری به سر می بردند ، نه درباره فلسفه خلقت و آفرینش خود می اندیشیدند و نه از اعتقاد خرافی و کردار ناپسند و رفتار زشت خود احساس شرمساری می نمودند . سالهای سال سپری شد و قوم نوح همچنان در معصیت و نافرمانی الهی فرو رفته بودند و نسبت به وضعی که داشتند شادی می کردند .

در طول این مدت دراز تعداد کسانی که به نوح گرویدند و دعوت او را اجابت نمودند ، به صد نفر نرسید ! زن نوح نیز همزنگ جماعت شده بود و از اینکه یکتاپرست باشد سرباز می زد . او علاوه بر این پیوسته شوهر خود نیز خیانت می نمود و پاس احترام او را نگاه نمی داشت . زن نوح به میان قوم می آمد و آنان را از پذیرش دعوت همسرش نوح برحذر می داشت و می گفت : او پیر شده و قدرت تعقل و تفکر خود را از دست داده است ! گوش به او ندهید که عقل درستی ندارد ! در نتیجه نوح نه تنها از اینکه پس از سالهای متمادی و تبلیغات دامنه دار قومش همچنان در گمراهی فرو رفته بودند ، رنج می برد بلکه خیانت همسرش و اینکه وی نیز با گمراهان همفکر است حتی آنان را به گمراهی بیشتر تشویق هم می کند ، رنج بیشتر می برد . این وضع چندان ادامه پیدا کرد تا سرانجام حوصله نوح به سر آمد . او دیگر از اصلاح قوم و به راه آمدن آنان مایوس شد و دعوت خود را بی نتیجه دید . نوح

قوم گناهکار و بی بندوبار را نفرین نمود و عرض کرد: خدایا! تمام این مردم کافر و بی دین را نابود گردان و یک نفر از آنان را در روی زمین باقی مگذار. (سوره نوح، آیه ۲۶) البته این هنگامی بود که نوح همه چیز را به قوم خود گفت ولی قوم در خود سری ولج بازی و شرارت و نافرمانی که پیش گرفته بودند اصرار ورزیدند. خداوند ماجرای نصایح نوح و سخنان نافذ و سازنده او را در قرآن مجید در سوره نوح بدینگونه به تفصیل شرح می دهد: ما نوح را به سوی قوم فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از نافرمانی ما بیم ده، پیش از آنکه عذاب ما آنان را فرا گیرد. نوح هم به سوی قوم آمد و گفت: ای قوم! من برای هدایت و بیم دادن شما از عذاب الهی آمده ام، آمده ام که به شما بگویم خدای یگانه را پرستش کنید و از کیفر او بر حذر باشید و اطاعت ذات مقدسش را گردن نهید تا شما را بیمارزد. بدانید که چون مرگتان در رسد، چیزی جلو آن را نمی گیرد و چون با این همه پند و اندرز باز هم از خواب غفلت بیدار نشدند و ترتیب اثری به مواظبت نوح ندادند، نوح گفت: خدایا! من قوم خود را شب و روز دعوت به دین حق کردم ولی آنان به جای اینکه گوش فرا دهند، دسته دسته گریختند. هر وقت آنان را دعوت نمودم تا به راه بیایند و توایشان را بیمارزی، انگشتان خود را در گوشها نهادند و خود را پوشاندند تا سخنان مرا نشنوند! از پذیرش سخنانم سرباز زدند و تکبر ورزیدند. آنان را آشکارا دعوت نمودم و همه چیز را برایشان بیان کردم و گفتم در پیشگاه الهی توبه کنید که خدای عالم بخشنده است ولی سرانجام تمامی زحمات مرا نادیده گرفته و به راهی رفتند که جز زیان، طرفی نیستند. خدایا! آنان بسیاری از مردم را گمراه نمودند. من دیگر امیدی به هدایتشان ندارم. آنان به خود و دیگران ستم نمودند و هر چه بیشتر بمانند گمراهتر و ستمکارتر می شوند: اگر آنان را باقی گذاری بندگان را گمراه می کنند و نسلی هم که از آنان باقی بماند همگی آلوده و کافر خواهند بود (سوره نوح: آیه ۲۷) خدایا! مرا و پدر و مادرم را و هر کس که ایمان بیاورد و به خانه من در آید و مردان و زنان با ایمان را بیمارز و ستمگران را از روی زمین برانداز (سوره نوح: آیه ۲۸).

مصیبت بزرگ نوح این بود که گذشته از همسرش، پسر او نیز رنگ محیط به خود گرفته و در میان مردم گمراه، گمراه شده بود. نوح نه تنها در معرض ریشخند قوم نادان و جسور بود بلکه در خانه هم راه احتیاط را نگاه می داشت. سرانجام خداوند نفرین نوح را پذیرفت و دستور داد که چون دیگر در بقای قوم سرکش و هوا پرست، امیدی نیست، کشتی بساز و خود و تمام پیروان و معتقدانت در آن قرار گیرید ولی ستمگران را به حال خود رها کن و از من مخواه که آنان را نجات دهم چون همه باید غرق شوند. همینکه فرمان خدا برای نابودی قوم صادر شد و آب از مخازن زمینی جوشیدن گرفت، خداوند فرمود: ای نوح! چون طوفان همه چیز را نابود می کند) از جنس آدمیان و سایر جانداران یک جفت نر و ماده و بستگانت را به کشتی بیاور جز آن کس (زن و فرزند نوح که قبلا خدا فرموده است باید هلاک شوند. و هر کس که ایمان آورده باشد نیز به کشتی بیاور ولی جز عده کمی به وی ایمان نیاورده بودند) (سوره هود: آیه ۴۰). طوفان نوح سراسر جهان یا قلمرو تبلیغاتش را فراگرفت. رعد و برقی آمد و از آسمان مانند آبشار باران بارید. با یک زلزله نیز انفجارهایی در زمین پدید آمد و دهن چاههای زمینی گشوده شد و آب فواره وار از آن جوشید. آب همه بلندیها و پستیها، شهرها، قریه ها و زمینها را فرا گرفت و همه را نابود گردانید. در این طوفان جهانی، فقط نوح و سرنشینان کشتی جان به سلامت بردند. زن نوح و پسر او که هر دو از گمراهان و کافران بودند نیز با سایر ستمگران هلاک شدند و نام ننگی از خود به یادگار گذاردند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27679/چرا-نوح-حضرت-همسر-چرا>